

## ماهیت حکمی فرزندآوری با نظر به تعارضات والدین و علل انگیزشی امتناع زوجین از فرزندآوری

ناصر عاشوری<sup>۱</sup>، منصور غریب‌پور<sup>۲</sup>، سید مهدی جوکار<sup>۳</sup>، داود حسن‌پور<sup>۴</sup>

### چکیده

از چالش‌های مهم در حوزه خانواده، مسئله فرزندآوری است. اینکه آیا فرزندآوری یک‌حق یا حکم است، می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری در موضوعات مختلف حقوقی وابسته به خانواده شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی نظرات مشهور فقهای امامیه در ماهیت حکمی فرزندآوری و تعارض این حق با دیگر حقوق زوجین و علل انگیزشی امتناع زوجین از فرزندآوری به‌روشنی تحلیلی - اسنادی انجام شد. بدین‌منظور منابع مکتوب فقهی - حقوقی در این مسئله مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد که فرزندآوری یک‌نوع حق است. برخی فقها حق فرزندآوری را به زن و برخی دیگر به مرد اختصاص داده‌اند. هر کدام از فقها سعی کرده‌اند در اثبات نظر خود به ادله‌ای استناد کنند که ادله هر دو دیدگاه قابل نقد است. دیدگاهی که جامع به نظر می‌رسد این است که حق فرزندآوری یک‌حق مشترک میان زوجین است که می‌توان این نظر را با توجه به ثبوت دیه بر عزل‌کننده اعم از زن و مرد، مستحب بودن ازدواج با زن ولود، عدم ظهور آیات و روایات بر وجوب فرزندآوری، تقویت کرد. این دیدگاه، با توجه به عرف متشرعه و به‌مثابه یک‌حق طبیعی زن و مرد، اختلافات درباره ماهیت حکمی فرزندآوری را کاهش می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** حق فرزندآوری، مقتضی ذات عقد، تعارضات فرزندآوری، علل پرهیز از فرزندآوری، ماهیت

حکمی فرزندآوری.

۱. دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email: naserashoori۶۵@gmail.com

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۴۸۷-۷۹۸۸

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ma.gharibpoor@gmail.com

ORCID: ۰۰۰۰۰۰۰۳-۰۵۴۴-۲۳۸

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email: m. jocar@yu. ac. Ir

ORCID: ۰۰۰۰۰۰۰۲-۱۴۷۸-۴۹۰۵

۴. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

Email: Hassanpoor.davood@gmail.com

ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۶-۸۸۸۲-۱۳۵۷

جلوگیری از فرزندآوری طبق حکم اولیه خود منافی اصول اسلام است (قدرتی، ۱۴۰۰، ۱۵۹). یکی از اهداف اصلی نظام خانواده، بقای نوع انسان دانسته شده و در آیاتی از قرآن کریم به این مساله مهم اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۱۵ / ۱۵). در برخی از آیات قرآن کریم وجود فرزند عاملی جهت بقاء جامعه بشری است. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً» و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی قرار داد (ر.ک.، نحل: ۷۲). وجود همسر و فرزندان اساس تکوینی و نعمتی از طرف خداوند است که بقاء جامعه بشری به آن وابسته است. وجود همسرانی از جنس انسان و تشکیل خانواده و فرزندآوری نعمتی است که خداوند به بشر عطا کرده و باعث تکثیر نسل می‌گردد (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۲۰ / ۳۶۸). با توجه به آیه مشخص می‌گردد ازدواج از آن جهت که باعث فرزندآوری می‌گردد، امری مورد پسند خداوند می‌باشد و خلقت همسر چون هدف اصلی ازدواج که فرزندآوری را تامین می‌کند دارای ارزش و نعمت الهی است. در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» (ر.ک.، بقره: ۲۲۳) خداوند متعال مردان را در حکم کشاورزی قرارداده که در مزرعه و کشتزار خود که منظور زنان هستند می‌تواند هر نوع کشتی کند و بکارد و مسلماً این کشت ثمره به نام فرزند خواهد داشت (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۷۲، ۲ / ۵۶۴). خداوند متعال در بیان و مثال، زن را چون کشتزار می‌نامد، نه فقط محلی برای ارضاء غریزه جنسی، بلکه انسان باید چیزی در آن برای خود که همان فرزند می‌باشد به دست آورد. در واقع کلمه (حرث) که در آیه تکرار شده است، اهمیت مساله که همان فرزندآوری است از آن به ذهن می‌رسد (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۱ / ۱۸۷). باتوجه به توضیحات بالا علی‌رغم مطلوبیت فرزندآوری، یکی از چالش‌های والدین در حوزه خانواده همین مسئله است. به این صورت که ممکن است هردو یا یکی از فرزندآوری امتناع کند و اختلاف بر سر فرزندآوری گاهی بنیان خانواده را تهدید می‌کند و سر از طلاق در می‌آورد (بصارتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۱). این پژوهش در صدد است با بازپژوهی فقهی ادله فرزندآوری در صدد جلوگیری از اختلافات در زمینه فرزندآوری باشد. مهمترین سوالاتی که این پژوهش به آن پاسخ می‌دهد. ۱- فرزندآوری حکمی الهی یا حقی برای زوجین است؟ ۲- در صورت تعارض حق فرزندآوری با دیگر حقوق کدام مقدم است؟ ۳- علل رویگردانی برخی از والدین از حق فرزندآوری چیست؟

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

حق در لغت به معنای مطابقت و موافقت با واقع (ر.ک.، مصطفی ابراهیم، بی‌تا، ۱۸۷)، و نیز به معنای ضدباطل، صدق و وجود ثابت آمده است (ر.ک.، بن‌عباد، ۱۴۱۴، ۲۸۶). حق در تمام کاربردهای مختلف خود، معنای محوری ثبات و تحقق را دارد (ر.ک.، مرتضی‌الزبیدی، بی‌تا، ۳۱۵ / ۶). در اصطلاح: در مورد رابطه میان دو موجود به کار می‌رود

که بر اساس آن، یکی از آن دو موجود، استحقاق دریافت یا استفاده از چیزی را پیدا می‌کند و دیگری مکلف است که آن را به او بدهد یا استفاده از آن را برایش محترم شمارد و به آن تجاوز نکند (ر.ک.، مصباح یزدی، ۱۴۰۵ / ۲۹). حق امری است اعتباری که برای کسی (لّه) بر دیگری (علیه) وضع می‌شود (همو، ۱۴۰۵ / ۲۶). بنابراین حق سلطه ای که برای یک شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیئی جعل و اعتبار می‌شود و صاحب حق می‌تواند در متعلق آن تصرف کرده و از آن بهره ببرد (ر.ک.، محقق داماد، ۲۰۰۶ / ۲۵۸). برخی از حقوقدانان حق را یک نوع امتیاز و نفع برای شخص می‌دانند که در مقام اجرا و منع دیگران از تجاوز مورد حمایت حقوق آن کشور است (ر.ک.، کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۳ / ۴۴۲). مقتضی از ماده قضی از باب افتعال است. در لغت به معنای دلالت کردن و مستوجب بودن آمده است.

مقتضی ذات عقد یعنی چیزی که عقد بدون آن محقق نخواهد شد. وماهیت و صحت عقد متوقف بر آن است (ر.ک.، نائینی، ۲ / ۱۳۷۳ / ۱۱۲) و با وجود آن عقد محقق می‌گردد و با انتفاع آن عقد از لحاظ لغوی، مفهومی و شرعی منتفی می‌گردد. در واقع مقتضی ذات عقد امری است که عقد برای آن شکل گرفته است (ر.ک.، امامی، ۱۳۸۶، ۱ / ۲۷۷). بدین معنا که مقتضای همان عقد مطلق است. ولذا اگر عدم مقتضی شرط گردد عقد باطل است. زیرا غیر ممکن است که مقتضای ماهیت عقد مفقود باشد ولی عقد هنوز وجود داشته باشد (ر.ک.، انصاری، ۱۴۲۰، ۶ / ۴۴). اگر چه ظاهر سخن شیخ انصاری در مورد مقتضای عقد در حالت کلی است منتها با توجه به سخنان بعد شیخ در مورد اختلاف مقتضی عقد و ذات عقد مشخص می‌گردد منظور شیخ مقتضی ذات عقد است. اثر و مقتضی ذات عقد با عقد در ملازمه است به نحوی که با وجود آن عقد محقق می‌گردد و بدون آن عقد از بین می‌رود. لذا اگر شرطی شود که مخالف با مقتضی ذات عقد باشد هم عقد و هم شرط باطل می‌گردد. در واقع مقتضای ذات عقد جزء لاینفک عقد است (طوسی، ۱۳۸۸، ۱۴۹). به طور کلی مقتضای ذات عقد اثر اساسی و عمده هر عقدی است که بدون واسطه از عقد حاصل می‌گردد، مثل ملکیت و زوجیت که به طور مستقیم از عقود بیع و نکاح حاصل می‌گردد. اقتضای اطلاق عقد یعنی اینکه اگر عقد بدون قید و بصورت مطلق واقع گردد عقد آن را اقتضا دارد. به تعبیر دیگر هر چیزی که اطلاق عقد در صورتی که خالی از شرط و قیدی باشد آن را ایجاب کند (ر.ک.، نائینی، ۱۳۷۳، ۲ / ۱۱۲). البته ممکن است طرفین در عقد خلاف آن شرط کنند (ر.ک.، امامی، ۱۳۸۶، ۱ / ۲۸۰). شیخ اعظم در کتاب مکاسب در مورد مقتضی اطلاق عقد می‌فرماید: «المقتضی إطلاق العقد أى العقد المجرد عن شرط نقيضه أعنى الماهية بشرط لا شيء» (همان) مقتضی اطلاق عقد آن اثری است که هرگاه عقد به صورت مطلق انشاء گردد آن اثر را به همراه دارد. در واقع عقد بودن به ماهو عقد تابع این اثر نیست و اینطور نیست که اگر آن اثر نباشد عقد هم وجود نداشته باشد به عنوان مثال اگر عقد بیع بصورت مطلق و بدون تقیید به پاره‌ی از امور واقع گردد اقتضا می‌کند که محل تسلیم مبیع همان محلی باشد که عقد در آن محقق شده است. در بیان حقوقدانان اگر عقدی بصورت مطلق

و فاقد هر نوع شرطی باشد و مانعی نیز از تاثیر مقتضی وجود نداشته باشد عقد مقتضای آن است که اثر را به دنبال عقد محقق کند (ر.ک.، جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۶۷۷). بنابراین چنانچه ضمن عقدی به صورت عرفی یا ضمنی یا صریح شرطی گردد و آن شرط خلاف و مخالف با مقتضای اطلاق عقد نباشد مشمول عموم (المؤمنون عند شروطهم) شده و آن شرط لازم الاجرا است. و نفی آن هم خللی به عقد و صحت آن نمی‌زند. تفاوت مقتضی ذات عقد و مقتضی اطلاق عقد این است که قائل به این باشیم موردی از مقتضیات ذات یک عقد است اگر شرط عدم یا شرطی بر خلاف مقتضی ذات عقد گردد هم شرط باطل است و هم باعث بطلان عقد می‌گردد ولی در موردی که قائل شویم از مقتضی اطلاق عقد است اگر شرط عدم یا شرطی مخالف عقد گردد شرط صحیح و واجب الاتباع است (جباری و همکاران، ۱۳۹۳، ۵۳). ملاک تشخیص نوع اقتضا در یک عقد در برخی موارد شرع و در موارد دیگر عرف می‌باشد.

## ۲-۱. فرزندآوری در آیات و روایات

در قرآن کریم و بیان معصومین (ع) آیات و روایاتی وجود دارد که اشاره به فرزندآوری دارد. در یک تقسیم بندی می‌توان به چند نوع اشاره کرد.

### اول) دلالت بر تشویق و مطلوبیت فرزندآوری

در آیاتی فرزندان به عنوان کمک یار والدین و زینت زندگی و نعمت الهی و متاع دنیا معرفی شده اند (ر.ک.، کهف: ۴۶، اسراء: ۶، نحل: ۷۲، آل عمران: ۱۴). همچنین در آیاتی به فرزندآوری به عنوان آرزوی پیامبران الهی همچنین سبب روشنی دیدگان شمرده شده است (ر.ک.، حجر: ۵۱، شوری: ۱۱، اعراف: ۱۵). به نظر می‌رسد دعاهای پیامبران الهی همچون زکریا و ابراهیم به درخواست فرزند از خداوند نشان دهنده جایگاه مهم فرزند در زندگی انسان و فطری بودن فرزندخواهی انسان‌ها است. علاوه بر آن آیاتی که ازدواج را زمینه‌ساز فرزندآوری معرفی کرده است نیز اشاره به مطلوبیت فرزندآوری دارد. مثلا خداوند متعال می‌فرماید: «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید» (ر.ک.، بقره: ۲۲۳). رازی در تفسیر ذیل آیات ۲۸ و ۲۹ سوره عنکبوت درباره قوم لوط است آورده است که این کار باعث قطع سبیل عادی بر زنان شده مصلحت نوع بقای بشر را از بین می‌برد. در روایات متعددی بر جایگاه والا و اهمیت فرزندآوری در اسلام تاکید شده است (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۳، ۹۶/۱۵، کلینی، بی تا، ۲/۶). در روایاتی، فرزند را یادگار و جانشین والدین در دنیا و اعمال نیک فرزندان را عاملی جهت آمرزش والدین معرفی شده است (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۳۰۹، حرعاملی، ۱۴۰۳، ۲۱/۳۵۹).

## دوم) آیاتی که در ظاهر به معایب فرزندآوری اشاره دارد.

در برخی آیات گاهی فرزند ناصالح به عنوان دشمن والدین و اسباب هلاکت پدر و مادر و مایه تهدید معرفی شده است (ر.ک.، تغابن: ۱۴، منافقون: ۹، توبه: ۵۵، حدید: ۲۰).

**اشکال و جواب:** اشکالی که ممکن است بین این دو دسته از آیات، (آیاتی که دال بر مطلوبیت فرزندآوری و آیاتی که به معایب فرزندآوری اشاره دارد) به نظر برسد، اینکه این دو گروه با هم در تناقض هستند و این نقض مطلوبیت فرزندآوری است. در جواب از اشکال باید گفت: آنچه به نظر، عیوب فرزندآوری است در واقع تذکر و هشدار از جهت مواجهه و تعامل با فرزند است. و ارتباطی با اصل فرزندآوری ندارد.

### ۲-۲. ماهیت حکمی فرزندآوری

اولین مقوله‌ی که باید بررسی گردد این است که فرزنددارشدن حکمی الهی، یا حقی برای زوجین است. اگر فرزندآوری حکمی الهی باشد کسی که ازدواج کرده است واجب است صاحب فرزند گردد و نباید از این سرپیچی کند. اگر فرزندآوری حق باشد اختیار این حق به دست همسران است. تقسیم مجعولات شارع به حکم و حق بر اساس آثاری است که خطاب‌های گوناگون دارد از نظر فقها اگر از ادله اینگونه برداشت گردد که اراده مکلفان تاثیری بر نتیجه حاصل از آن خطاب ندارد حکم است. و اگر چنین برداشت گردد که اراده مکلفان در نتیجه اثر گذار است حق است. در واقع این سخن برگرفته از تفاوت معروفی است که بین حق و حکم وجود دارد. و آن عبارت است از اینکه حق اسقاط شدنی است ولی حکم اسقاط شدنی نیست. برخی از فقهاء از جمله: سید محسن حکیم و مرحوم نائینی، این ملاک در تفاوت بین حق و حکم پذیرفته‌اند (ر.ک.، نائینی، ۱۳۷۳، ۴۲/۱). برای ملاک مرحوم حکیم و نائینی اشکال شده است. از جمله حق استمتاع زوج از زوجه، حق پدری و حق ولایت حاکم شرع و حق فسخ هبه، از نظر مشهور فقها حق است ولی قابل اسقاط نیست (ر.ک.، مشکینی، ۱۳۸۵، ۲۱۴). این اشکالات بیشتر در صورتی است که حکم باشد ولی مفاد آن رخصت باشد. یعنی اینکه انسان می‌تواند عملی انجام دهد. خلاصه در صورتی که با ملاک اسقاط پذیری امکان مشخص کردن حق از حکم وجود نداشت باید با مراجعه به خطابات شارع و لسان دلیل، حکم یا حق، یا حکم رخصتی بودن مشخص کرد، و آثار و نتایج آن مترتب کرد. با جستجو در ادله نمی‌توان دلیلی را یافت که مثلاً مرد بتواند این حق را به طور کلی از خود اسقاط کند. تعبیری مثل (ذاک الی الرجل یصرفه حیث یشاء) درباره عزل نهایت دلالت بر این دارد که مرد می‌تواند از این حق استفاده کند یا نکند، ولی بر اسقاط حق به طور کلی دلالت ندارد (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۳، ۱۴۹/۲۰). به نظر می‌رسد که مساله فرزندآوری مثل طلاق و در اختیار افراد است که می‌توانند از آن استفاده کنند یا نکنند، ولی به طور کلی نمی‌توانند آن را از خود سلب کنند. همانطور که حق طلاق را مرد نمی‌تواند از خود سلب کند، حق فرزند نیز قابل

اسقاط نیست. شاید عده‌ی که گفته‌اند: حکمت نکاح فرزندآوری است، نظرشان بر این بوده است که فرزندآوری حکمی الهی است و بشر حق تغییر آن را ندارد. اما نمی‌توان حکم بودن را پذیرفت. زمان معصومین(ع) هم بحث عزل از زن مطرح بوده است و در جواب سوال کنندگان واجب نبودن فرزنددارشدن مشخص بوده است و در پاسخ امامان معصوم کلامی یافت نمی‌شود که دلالت کند این مساله حکم تغییر ناپذیر خداوند است. در واقع مساله مورد بحث با مساله پیشگیری از بارداری فرزند در ارتباط است. زیرا عدم فرزندآوری با پیشگیری همراه می‌باشد. لذا شناخت و تفاوت این بحث با مساله پیشگیری دارای اهمیت است. در واقع رابطه فرزنددارشدن با پیشگیری رابطه عام و خاص من وجه می‌باشد. و قسمت مشترک آن همان فرزنددار نشدن با پیشگیری است. بخش افتراق آنها دو چیز است اول: شخص بدون پیشگیری از بارداری فرزنددار نشود. دوم: شخص پیشگیری کند ولی فرزنددار بشود مانند روش‌های سنتی پیشگیری که احتمال بارداری در آن هست. لذا این دو مساله تلازم همیشگی باهم ندارند و جدا ازهم هستند. آنچه در این مساله دارای اهمیت است شناخت جواز بچه دار نشدن است و اینکه رضایت همسران چه تاثیری در مساله دارد. به طور خلاصه می‌توان بچه دار نشدن را به دو دسته متعارف و غیر متعارف تقسیم کرد. بچه دارنشدن متعارف به این معنی است که عرف بچه دار نشدن را عجیب و بعید نمی‌داند مانند زوجی که تازه ازدواج کرده است و تصمیم دارند برای چند ماه بچه دار نشوند. بچه دار نشدن غیر متعارف به این معنی که عرف آن را غیر طبیعی می‌داند مثل زن و مردی که فرصت کافی برای بچه دار شدن دارند ولی از این کار امتناع می‌کنند. در لسان فقهای عظام اگرچه نمی‌توان اینچنین دسته بندی مشاهده کرد منتها از جواب آنها در پاسخ به سوالات مقلدین چنین برداشتی می‌شود. به عنوان نمونه، آیت الله نوری همدانی بر فرضی که زن بخواهد به مقدار ده بیست سال از فرزند امتناع کند برای مرد حق اعتراض قائل شده است.

شناخت ماهیت فرزندآوری می‌تواند دارای آثار حقوقی زیادی باشد. از آنجا که نظام حقوقی ایران برگرفته از فقه امامیه است شناخت اقوال فقهاء در این زمینه می‌تواند کمک شایانی به قانونگذار و سیاست‌های نظام خانواده کند. در فقه امامیه با بیان کلماتی مثل حق استیلا در فقهاء به موضوع ماهیت فرزندآوری وارد شده‌اند و آن را یک حق می‌دانند. البته جهت اثبات حق بودن فرزندآوری در مقابل حکم بودن آن بیشتر جهت فرضی گرفته شده تا اینکه آن را اثبات کنند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۷۰). حکم بودن و حق بودن فرزندآوری دارای آثار خاصی است. بر فرض حق بودن آن قابلیت اسقاط و نقل و انتقال ارادی و قهری دارد ولی در صورتی که قائل به حکم بودن آن شویم این اثرات را ندارد (همان) در واقع وجه تمایز بین حق و حکم وجود سه اصل است. ۱- قابلیت اسقاط ۲- قابلیت نقل ۳- قابلیت انتقال، البته ممکن است در نظر کسانی که حق را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند برخی از حقوق این سه وجه را نداشته باشند که این خود یک استثنا است و این خدشه به اصل حق نمی‌زند (ر.ک.، فروغی، ۱۳۹۱، ۱۲) لذا هر حقی دارای این سه اصل می‌باشد. در مقابل حق حکم است. حکم یعنی آن قسمت از مجعولات شرعی که

برای صاحب اختیار ایجاد سلطنت نمی کند و آثار آن عدم قابلیت اسقاط و نقل و انتقال است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۷۱). به طور کلی این مساله حکم بودن یا حق بودن فرزندآوری، مساله‌ی اختلافی است که در ادامه بحث هردو نظریه بررسی می‌گردد.

## ۲-۲-۱. حق بودن فرزندآوری

حق یک امر اعتباری است. اسقاط حق عملی حقوقی است که می‌تواند توسط صاحب حق محدود گردد یا اسقاط گردد (ر.ک.، کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۱۹/۵). از طرفی امور اعتباری بر دو قسم است. الف: برخی امور اعتباری محض هستند به این معنا که واقعیتهای در عالم خارج ندارند و به محض ساقط شدن اثری از آنها در عالم خارج باقی نمی‌ماند مثل حق فسخ که با فسخ اثری در خارج از آن نمی‌ماند. ب: برخی امور اعتباری مثل فرزندآوری، به غیر از عالم اعتبار در عالم خارج نیز دارای منشاء وجود هستند (ر.ک.، ولایی، ۱۳۸۷، ۱۲۱).

**اشکال:** ممکن است اینطور تصور شود که چون حق امری اعتباری است و باید با از بین رفتن این حق منشاء هم از بین برود پس در مورد حق فرزندآوری چون با از بین رفتن این حق بدن انسان از بین نمی‌رود پس فرزندآوری حکم می‌باشد و حق نیست. **جواب از اشکال:** در جواب از این اشکال باید گفت: در اموری که اعتباری محض می‌باشد این حرف صحیح می‌باشد در حالی که فرزندآوری یک امر اعتباری محض نیست. در واقع در اینجا نباید حق فرزندآوری که امری اعتباری است با منشاء آن که بدن انسان است خلط کرد. بلکه اراده انسان است که می‌تواند حقوق را ساقط کند. علاوه بر دلیل فوق بر حق بودن فرزندآوری، می‌توان با توجه به امکان تعهد به سلب حق در مقابل عدم امکان تعهد به سلب حکم، حق بودن فرزندآوری را ثابت کرد (ر.ک.، محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲/۲۸۶). اگر بتوان فرزندآوری را محدود کرد مثلاً شخص متعهد گردد برای چندسال بچه نداشته باشد این حق است. در مقابل حکم که نمی‌توان آنرا محدود کرد مثلاً زوج متعهد گردد ریاست خانواده با توجه باشد این دارای اشکال است زیرا حق ریاست حکمی است که نمی‌توان خللی در آن ایجاد کرد. به همین دلیل است که در اقوال فقهاء فرزندآوری را محدود کرده‌اند (ر.ک.، سیفی، ۱۳۸۹، ۲۹۵). در قوانین موضوعه نیز به نظر می‌رسد فرزندآوری یک حق می‌باشد.

## ۲-۲-۲. حکم بودن فرزندآوری

برخی معتقدند که فرزندآوری یک نوع حکم می‌باشد. زیرا شرط حق بودن یک امر این است که بتوان آن را اسقاط کرد، در حالی که در فرزندآوری نمی‌توان آن را اسقاط کرد. زیرا اسقاط در امور اعتباری محض می‌باشد ولی فرزندآوری یک امر اعتباری محض نیست و ریشه در جسم و جان انسان دارد و به صرف انشاء قابل اسقاط نیست لذا ماهیتاً حکم است. واگرهم در بیان فقهاء از حق استیلا استفاده می‌گردد از باب حق به معنی ااعم می‌باشد که هم

شامل حق می‌گردد و هم شامل حکم (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۸). اشکالی که می‌توان بر این نظر گرفت اینکه قائلین به حکم بودن فرزندآوری بین حق فرزندآوری که امری اعتباری است با منشاء آن که بدن انسان است خلط کرده‌اند. در حالی که این دو از هم جدا هستند. بنابراین آنچه که از غالب فهم نظرات فقهاء و روح مواد قانونی فهمیده می‌گردد و نظر مختار نویسندگان این پژوهش نیز می‌باشد ماهیت فرزندآوری به حق نزدیک تر است.

### ۳. استنباط حق فرزندآوری از عقد نکاح

پس از شناخت حق بودن ماهیت فرزندآوری سوالی که پیش می‌آید این است که اگر بین زوجین هنگام عقد نکاح یا خارج از عقد نکاح ضمن قراردادی الزام آور هیچ گونه شرط یا توافقی در خصوص استیلا در وجود نداشته باشد آیا می‌توان حق استیلا از خود عقد نکاح استنباط و استخراج کرد؟ اقتضائات و آثار عقدها متعدد و متفاوت است. برخی از اقتضائات و آثار جزء اساسی و اصلی و ذات هر عقدی محسوب می‌گردند و جزء جدا ناشدنی آن عقد هستند طوری که با بود آن آثار عقد حاصل می‌گردد. در واقع اینها مقتضای ذات عقد هستند. و در صورت نبود آنها عقد محقق نمی‌گردد. ولی برخی از آثار و اقتضائات در صورت مطلق بودن عقد همراه عقد هستند و در صورتی که خلاف آن شرط گردد یا اینکه اعمال نشود خللی در عقد ایجاد نمی‌کنند. شروط خلاف مقتضای اطلاق عقد هم خود صحیح می‌باشند و هم عقد صحیح است و خللی در صحت عقد نمی‌زنند. در عقد نکاح مانند سایر عقود اقتضائاتی وجود دارد. و هرکدام آثار خاص خود را دارد. متنها در عقد نکاح با اینکه یک سری ملاحظات خاصی همچون حفظ تحکیم خانواده و حرمت آن در پی دارد دقت نظر بیشتری در آثار اقتضائات کرد. بین فقهاء در مورد اینکه اقتضای اطلاق عقد نکاح و اقتضای ذات عقد نکاح چیست اختلاف وجود دارد و اینکه فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح است یا مقتضای ذات یا خیر؟ اگر ما فرزندآوری را جزء مقتضای اطلاق عقد نکاح دانستیم شرط خلاف آن که فرزندآوری باشد صحیح است و طرح ادعای الزام مستنکف از فرزندآوری به آوردن فرزند صحیح است. در صورتی که فرزندآوری مقتضای ذات عقد نکاح باشد هر گونه شرط خلاف آن باعث بطلان عقد می‌گردد. به طور کلی در میان فقهاء نظرات مختلفی وجود دارد.

### ۳-۱. مقتضای ذات نکاح

همه فقهاء امامیه در اینکه فرزندآوری مقتضای ذات عقد نکاح نیست اتفاق نظر دارند (ر.ک.، جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۲۸۱، خمینی، ۱۳۷۹، ۲/۳۰۳). وجه اتفاق نظر فقهاء به معیاری که در مقتضای ذات عقود است بر می‌گردد. معیار مقتضای ذات عقد این است که هر امری و اثری که بعد از انشای عقد حاصل گردد اگر تفکیک آن از عقد به معنای بطلان عقد باشد ذاتا آن را اقتضا می‌کند. و عقد بدون آن تحقق پیدا نمی‌کند. لذا اگر شرطی برخلاف آن ایجاد گردد هم شرط و هم عقد باطل می‌گردد به تعبیر بعضی از فقهاء جدایی ذات عقد از عقد موجب تناقض است،



چون مقتضای ذات عقد، لازم جدایی ناپذیر عقد محسوب می‌گردد. باتوجه به این معیار تنها چیزی که بعد از عقد نکاح حاصل می‌گردد محرمیت و علقه زوجیت می‌باشد و عقد نکاح بدون آن قابل تصور نیست. و فرزندآوری و سایر امور از هدف های ازدواج است و چنین رابطه ی با عقد نکاح ندارد. علاوه بر این برخی از نویسندگان برای اثبات اینکه فرزندآوری مقتضای ذات نکاح نیست به آیات و احادیث نیز استناد کرده اند به عنوان نمونه:

## اول) قرآن کریم

### استناد به لفظ « نکاح »

**خداوند متعال در قرآن کریم** می‌فرماید: «پس اگر (برای بار سوم) او را طلاق داد، دیگر آن زن بر او حلال نخواهد بود، مگر آنکه به نکاح مرد دیگری درآید» (ر.ک.، بقره: ۲۳۰). نحوه استدلال: اکثر فقهاء امامیه با توجه به لفظ نکاح در این آیه شریفه، نکاح را تعریف کرده‌اند و در تعریف نکاح قید فرزندآوری نیامده است (ر.ک.، نجفی، بی تا، ۶/۲۹). عده‌ی دیگر از فقهاء نکاح را از عقود می‌دانند که نام آن در قانون و شرع اسلام وجود دارد و به واسطه آن عقد حق مشارکت زوجین و حق استمتاع مشروعیت پیدا می‌کند (ر.ک.، حلی، ۱۳۸۷، ۲).

## دوم) روایات

رسول خدا (ص) فرمودند: با دختران باکره ازدواج کنید زیرا آنها از جهت بوی دهان خوشبوتر و از حیث شیردهی پرشیرتر و از لحاظ رحم فراخ ترند، آیا نمی‌دانید که من در روز قیامت به فزونی شما بر اُمتهای حتی به جنین سقط شده افتخار می‌کنم؟ (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳، ۳۹۵). این حدیث ضمن برشماری ویژگی های ارجح زنان برای انتخاب به عنوان همسر، بر مطلوبیت ازدیاد فرزند دلالت دارد در واقع صفات بیان شده در این حدیث در راستای فرزندآوری است. و ازدواج را راهی برای فزونی جمعیت مؤمنین معرفی می‌کند. دلالت این حدیث بر پسندیده بودن و مستحب بودن ازدواج فرزندآوری بسیار روشن است (ر.ک.، انصاری، ۱۴۲۰، ۳) زیرا اگر فرزندآوری از آثار و لوازم ذاتی عقد نکاح باشد باید به جای استحباب از حکم وجوب استفاده شود یعنی بر مرد واجب است که با زنی ازدواج کند که توانایی بچه دار شدن را دارد نه اینکه اختیارچنین زنی برای مرد استحباب داشته باشد. منتها این حکم لزوم را نمی‌رساند و ظهور در اینکه ازدواج واجب است ندارد و فرزند آوری را نباید با مقتضای ذات عقد نکاح اشتباه گرفت. خلاصه به طور کلی در خصوص اینکه فرزندآوری جزء مقتضای ذات عقد نکاح نیست اختلافی بین فقهاء نیست و دارای شهرت فتوایی است.

## اشکال بر آیات و روایات مقتضای ذات نبودن فرزندآوری

آنچه در ارزیابی این ادله می‌توان گفت: اینکه صحیحترین راه جهت شناخت و اثبات ذاتی بودن یا نبودن چیزی در عقد باید به صفت جدایی پذیری اشاره کرد. طوری که اگر با نبود آن عقد نیز باطل گردد مقتضای ذات عقد است و اگر نبود آن خللی در عقد ایجاد نکند مقتضای ذات نیست. البته در مورد حدیث ذکر شده علیرغم اینکه بیانگر صفات زوجه برای همسری می‌باشد اما در زمره احکام استحبابی است و از استحباب نمی‌توان حکم به وجوب فرزندآوری کرد. البته این روایات و آیات به عنوان موید می‌تواند باشد.

### ۳-۲. مقتضای اطلاق نکاح

نظرات فقهاء در مورد مقتضای اطلاق عقد نکاح متفاوت است. به طور کلی دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد. برخی از فقهاء فرزندآوری را جزء مقتضای اطلاق عقد می‌دانند و این را از حقوق اختصاصی زنان می‌دانند. (جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۶۵). عده‌ی دیگر براین عقیده هستند که فرزندآوری مقتضای عقد نکاح نیست. اما زوجین می‌توانند با شرط فرزندآوری در ضمن عقد آن را به یک الزام ضمانت آور با پشتوانه قانونی تبدیل کنند (ر.ک.، حلی، ۱۴۱۳، ۱۳/۷۱). دیدگاه اول نیاز به تفصیل دارد و باید روشن گردد بر فرض اینکه حق فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح باشد، این حق به چه کسی تعلق دارد؟

#### اول) فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح و حق زوجه

از نظر این دسته فقهاء مرد نمی‌تواند بدون اذن زوجه از بارداری جلوگیری کند و مانع فرزندآوری گردد. در واقع فرزندآوری حق زن است و اوست که می‌تواند مانع فرزند شود یا اقدام به فرزندآوری کند. در واقع مرد نمی‌تواند همسرش را ملزم به فرزندآوری کند ولی زن می‌تواند در صورت ممانعت شوهر او را ملزم به فرزندآوری کند. البته در لسان فقهاء چنین نظری به صراحت وجود ندارد منتها با توجه به توضیحات اقتضای اطلاق و تحلیل دلایل در خصوص کراهت عزل می‌توان چنین نظری استنباط کرد. شهید ثانی می‌گوید: «ویظهر من الاخبار ان النهی کراهه و تحریماً لحکمه الاستیلاب وان الحق فیه للمراة و لهذا جاز مع الشرط فیزول النهی بالاذن و ان لم یشرط» (ر.ک.، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷/۶۵) مرحوم شهید ثانی دلیل تحریم عزل را فرزندآوری می‌داند. و فرزندآوری را حق زن می‌داند. این استنباط از کلام شیخ به این صورت است که لفظ «الحق» را بر لفظ «لمراة» مقدم کرده است و حق فرزند را منحصر در زن کرده است. ولی اگر حق مشترک یا مرد بود باید تغییر در کلام می‌داد و به این صورت می‌گفت: (وان للمراة فیه حقاً) یعنی زن نیز در کنار مرد نسبت به فرزندآوری دارای حق است (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۱۵). محقق ثانی نیز ممنوعیت عزل را به دلیل ضایع کردن حق زن در فرزندآوری و تنافی آن با حق زن دانسته است (ر.ک.، عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ۱۲/۵۰۴). در واقع دو عنصر رضایت زن و شرط یا فقدان آنها در ازدواج دائم محور اصلی جواز یا عدم جواز عزل می‌باشد (ر.ک.، محقق داماد، ۱۳۸۹، ۱۵). در واقع این حق یک طرفه است که

متعلق به زن است. کسانی که قائل به این نظریه هستند به کراهت عزل در صورتی که رضایت و شرطی از ناحیه زوجه وجود نداشته باشد استناد می‌کنند (ر.ک.، محقق کرکی، ۱۴۰۸، ۵۰۵). همچنین عزل با غرض شارع و استیلا در تعارض است (ر.ک.، حلی، ۱۴۰۷، ۳۰۹).

**اشکال:** ادله‌ی قائلین به این نظریه دارای چند اشکال اساسی است. اول: اینکه غرض اصلی از نکاح استیلا نیست اگرچه یکی از غرض‌ها است لذا نمی‌توان گفت عزل با غرض شارع منافات دارد. ثانیاً: برفرض پذیرش اینکه عزل با غرض شارع که استیلا باشد منافات دارد پس باید حکم آن حرمت باشد نه کراهت همانطور که فقهاء بزرگی قائل به کراهت شده‌اند (ر.ک.، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۰۹). ثالثاً: شرط زن یا رضایت او نمی‌تواند غرض شارع از نکاح تغییر دهد و چنین شرطی صحیح نیست. به طور کلی ادله قائلین به اینکه استیلا جزء مقتضای اطلاق عقد است و حق اختصاصی زوجه می‌باشد مخدوش است و قابل پذیرش نیست.

### دوم) فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح و حق زوج

قول مشهور فقهاء در بحث عزل، مشهورترین و اولین دلیلی است که برای اثبات حق فرزندآوری زوج به آن استناد شده است. مشهور فقهاء در بحث عزل، مرد را ذی حق می‌دانند و عزل زوج را جایز می‌دانند و معتقد هستند چون مرد حق عزل دارد بنابراین حق فرزندآوری نیز دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، درس خارج فقه). دلیل دوم اینکه با عقد نکاح مرد مالک تمام منافع زوجه می‌گردد. و یکی از منافع منفعت فرزندآوری است که خود از منافع رحم می‌باشد. بنابراین فرزندآوری حق مرد می‌باشد ولی زوجه چنین حقی ندارد (همان). اشکال: این دیدگاه از جهاتی خالی از اشکال نمی‌باشد. اول اینکه روایات مربوط به عزل یکسان نیستند و اینگونه نیست که همگی صراحتاً بر جواز عزل به طور مطلق دلالت کنند بلکه دو دسته اند قائلین به جواز و قائلین به حرمت. قول مشهور جواز مع الکراهه است. پس با اختلافی بودن نمی‌توان چیزی را به طور قطع ثابت کرد. دوم: اینکه زوج با عقد ازدواج مالک زوجه و منافع او نمی‌شود. زیرا بین عقد نکاح و سایر عقود ویژگی‌هایی خاص وجود دارد که این ویژگی‌ها عقد نکاح را از زمره عقود معاوضی که مالکیت مطلق از آثار این عقود معاوضی است خارج می‌کند و نکاح معاوضه محض نمی‌باشد (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۷ / ۵۴). در عقد نکاح موضوع اصلی عقد طرفین عقد (مرد و زن) می‌باشند در حالی که موضوع در سایر عقود از قبیل: عاریه، اجاره، بیع و... چیزی است که طرفین آن را قصد می‌کنند و عقد برآن واقع می‌گردد مثل: کالای عاریه، مال مستاجر و مبیع است. محقق کرکی به صراحت نکاح را معاوضه نمی‌داند (ر.ک.، عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ۱۳ / ۴۱۸). در واقع احکام خاصی که نکاح دارد آن را از سایر عقود جدا می‌سازد و اگر در برخی عبارات از لفظ معاوضه استفاده شده است از باب آثار مالی ازدواج مثل مهریه و... است. بنابراین نمی‌تواند با توجه به این دلیل فرزندآوری را حق مرد دانست.

### ۳-۳. دیدگاه مختار (فرزندآوری مقتضای اطلاق و حق مشترک زوجین)

باتوجه به دیدگاهها و اختلاف نظرهایی که وجود دارد و همچنین ضعف ادله قائلین به فرزندآوری از باب اقتضای اطلاق عقد نکاح و به عنوان حق زوج یا زوجه مشخص می‌گردد که فرزندآوری حقی مشترک برای مرد و زن است. مهمترین ادله‌ی که می‌توان بر مشترک بودن این حق اقامه کرد عبارتند از:

#### اول) ثابت بودن دیه بر عزل کننده

در اقوال برخی فقهاء اگر چه صراحتی در طرفینی بودن فرزندآوری وجود ندارد منتها به صورت ضمنی می‌توان به آن دست پیدا کرد. به عنوان مثال فقهاء معتقدند اگر زوج بدون رضایت زوجه، یا زوجه بدون رضایت زوج عزل کند باید دیه پرداخت کند (حلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۱۴). لذا از لزوم پرداخت دیه توسط عزل کننده استنباط می‌گردد فرزندآوری طرفینی است.

دوم) همچنین باتوجه به ادله‌ی از قبیل: مستحب بودن ازدواج با زن ولود نه وجوب (ر.ک.، انصاری، ۱۴۲۰، ۳۲)، عدم ظهور آیات و روایات بر وجوب فرزندآوری (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۳، ۱۲۴)، خروج صفت عقیم بودن از مجوزهای فسخ نکاح (ر.ک.، کرکی، ۱۴۱۴، ۲۳۴)، می‌توان این نظر را تقویت کرد، و به عنوان نظر صحیح از میان دیگر نظرات به آن قائل شد. در واقع ثمره این دیدگاه تداوم واستحکام زندگی خانوادگی است. زیرا مانع شدن هریک از زوجین از تحقق فرزندآوری علی‌رغم آمادگی طرف دیگر مشکل ایجاد می‌کند و روانیست هرگاه زوجه بخواهد بچه دار گردد مرد امتناع کند و همچنین روانیست زوجه مانع بچه دار شدن زوج گردد زیرا در طولانی مدت هم زن و هم مرد حق دارند بچه دار شوند و این چیزی است که در عرف متشرعه نیز جاری است.

#### ۴. تعارض حق فرزندآوری با دیگر حقوق

پس از شناخت حق فرزندی به عنوان یک حق مشترک، گاهی با عدم شرط فرزندآوری در ضمن عقد ممکن است این حق که یک حق طبیعی و مسلم برای زن و مرد است با حقوقی دیگر در تعارض باشد در این صورت حکم چیست؟ در ادامه به چند مورد و نحوه رفع اختلاف و تعارض پرداخته می‌گردد.

#### ۴-۱. تعارض حق مادری با حق سلامتی فرزند

فرزند اساساً حقی مبنی بر به دنیا آمدن و سالم به دنیا آمدن ندارد (افشار قوچانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۴). در اصطلاح حقوقدانان پدر و مادر نسبت به فرزندان نسبت به مشکلات به دنیا آمدن مصونیت ذاتی دارند. از نظر

حقوقدانان آنچه باعث می‌گردد این مصونیت باشد حاکمیت قواعد اخلاقی و ارزش‌های دینی در نظام خانواده است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۰۰). امام صادق (ع) در ضمن حدیثی می‌فرماید: «مَنْ نَظَرَ إِلَى وَالِدِيهِ نَظْرَ مَاقَتٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ» امام صادق (ع) فرمود: هر کس به پدر و مادر خود نگاه دشمنانه کند، در صورتی هم که آن دو به او ستم کرده باشند، نمازش پذیرفته نشود (ر.ک.، کلینی، ۱۴۲۹، ۲ / ۳۹). البته توجه به این نکته لازم است که مصونیت والدین در برابر فرزندان نمی‌تواند مجوزی باشد که والدین حق زندگی و زیستن فرزندان را با سهل‌انگاری و بی‌توجهی به بدترین حالت ممکن بدل کنند (قدرتی، ۱۴۰۰، ۱۶۴). بر اساس قاعده نفی ضرر کسی نمی‌تواند با اعمال حقی باعث ضرر به دیگران گردد و در مورد فرزند والدین باید حداکثر اقدامات لازم را انجام دهند (غدیری، ۱۳۹۷، ۱۲۶). با سیری در قوانین مصوب خانواده، مشخص می‌گردد قانونگذار نیز بر سلامت جنین تاکید دارد. به عنوان مثال در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون بیماری‌هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و نیز بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادر شده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده ویا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند.

تبصره - چنانچه گواهی صادر شده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آنها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می‌شوند. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد» در مبانی دینی نیز این حق به چشم می‌خورد. به عنوان مثال: در روایاتی، انعقاد نطفه در زمان‌های خاص به دلیل اینکه بر سلامت نطفه تاثیر می‌گذارد کراهت دارد. همه این‌ها حکایت از این دارد که اسلام برای سلامت جنین امتیاز خاصی قائل است. به طور کلی آنچه از ادله فقهی قابل برداشت است اینکه سلامت جنین مقدم بر حق والدیت می‌باشد.

#### ۴-۲. تعارض حق مادری با حق عزل زوج

نظرات فقهاء در مورد جواز عزل مختلف است (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۳، ۱۴ / ۱۰۵). عده‌ی از فقهاء عزل زوج را جایز می‌دانند و به دلیل ذیل استناد کرده‌اند. عن محمد بن مسلم «قال سالت ابا عبدالله عن العزل قال ذلک الی الرجل یصرفه حیث یشاء» (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۳، ۲۰ / ۱۴۹) این روایت از آنجا که محمد بن مسلم از روایان آن

هست و او شخصی ثقه و مورد اطمینان می باشد و حتی از اصحاب اجماع است معتبر می باشد. در این حدیث امام به صراحت می فرماید: انزال در اختیار زوج است و به هرنحوی هنگام جماع که بخواهد می تواند انجام دهد. برخی عزل را حرام می دانند (ر.ک.، مفید، بی تا: ۵۱۶) و به ادله ی استناد کرده اند. از جمله: ۱- روی عن النبی «انه نهی عن العزل عن الحره الا باذنها» (ر.ک.، مسند احمد، ۱۴۱۶، ۱ / ۳۱) از پیامبر اکرم (ص) در مورد عزل از حره سوال شد فرمودند: بدون اجازه زوجه نمی تواند. همچنین ۲- عن النبی «انه الواد الخفی» پیامبر فرمود: هدر دادن نطفه نوعی قتل خفی می باشد (ر.ک.، مسند احمد، ۱۴۱۶، ۶ / ۳۶۱). ۳- عزل کردن با غرض شارع از نکاح که همان استیلا است منافات دارد.

**اشکال به استدلال:** ادله قائلین به حرمت عزل مخدوش است زیرا اولاً: هردو روایت از طریق عامه نقل شده است و برای ما فاقد اعتبار است. ثانیاً: بر فرض پذیرش این روایات، حمل برکراهت می شود زیرا روایاتی وجود دارد که قائل به جواز عزل هستند. ثالثاً: هدف از نکاح فقط استیلا نیست اگرچه یکی از اهداف استیلا می باشد.

به دلیل جواز عزل برای مرد و حرمت آن برای زوجه برخی بر این باورند که حق استیلا مطلقاً برای مرد است و زن از این حق محروم است (ر.ک.، طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۲ / ۷۶۹) منتها در فقه به طور مستقیم ذکری از حق استیلا نشده است. ولی در برخی مواد قانونی ظاهراً حقی مشترک بین زن و مرد است. خلاصه اگر حق استیلا حق مشترک باشد بارداری یا عدم آن باید مورد توافق طرفین باشد. و سوالی که پیش می آید اینکه در صورت اختلاف زوجین در مورد بارداری و عدم آن کدام یک مقدم است؟ در این صورت تا زمانی که این تاخیر مصداق ضرر و امساک به غیر معروف نباشد با توجه به عموم آیه حرث و اطلاق ادله قوامیت شوهر، حق شوهر مقدم می گردد، ولی زوجه می تواند ضمن شرط هنگام عقد آن را محدود کند.

#### ۴-۳. تعارض حق مادری با حق تمتع زوج

در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ از جمله چیزهایی که باعث عسر و حرج برای زوجه در نظر گرفته شده با توجه به بند ۱۳ ماده ۸ عدم فرزندآوری است. «در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگر همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند». از طرفی چنانچه زوجه بخواهد فرزنددار شود به دلیل تغییرات هورمونی که هنگام بارداری و همچنین هنگام تولد فرزند حداقل برای چندماه اتفاق می افتد شاید زوج به اندازه کافی نتواند به تمتعات جنسی خود برسد لذا در اینجا دو حرج وجود دارد ۱- حرج محرومیت از حق مادری ۲- حرج ناشی از محرومیت نسبت به تمتعات جنسی (قدرتی، ۱۷۲، ۱۴۰۰) در این صورت حکم چیست؟ فقهاء در این مورد اختلاف نظر دارند. برخی مثل مرحوم آخوند

خراسانی معتقد است که در این صورت تحمل نمودن حرج از ناحیه شخص لازم نیست اگرچه حرج شخص دیگر بیشتر باشد. زیرا نفی حرج از سوی شارع از باب امتنان می‌باشد (ر.ک.، آخوند خراسانی، ۱۴۲۴، ۲ / ۲۷۱). اشکال به استدلال: اشکالی که می‌توان بر نظر مرحوم آخوند وارد ساخت اینکه استدلال در صورتی صحیح می‌باشد که امتنان شارع، شخصی باشد نه نوعی، زیرا لازمه نوعی بودن این است شخصی که کمتر متحمل حرج می‌گردد، حرج را متحمل گردد تا دفع حرج بیشتر شود (انصاری، ۱۴۲۰، ۳۷۴). البته برخی حتی حرج نوعی را هم مکفی نمی‌دانند (حسینی بهسودی، ۱۴۲۲، ۲ / ۵۶۶). به طور کلی از آنجا که در این موضوع دوحرج باهم در تعارض هستند اجرای قاعده حرج تساقط پیدا می‌کند و جهت برون رفت از این مشکل باید به احکام اولیه (قوامیت مرد بر زن) رجوع کرد (ر.ک.، محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲ / ۸۴). البته با توجه به اینکه جهت استحکام خانواده نیاز به تکریم و احترام زوجه است، با توجه به مقطعی بودن تمتعات جنسی شوهر می‌تواند با گذشت از حق خود، زوجه را در فرزندآوری یاری کند.

#### ۴-۴. تعارض حق مادری با مصلحت جامعه

در قانون حمایت از خانواده از جمله موادی که اشاره به مصلحت جامعه دارد تبصره ماده ۲۳ این قانون است. «در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد». در این ماده هدف قانونگذار در تعارض بین حق فرزندآوری و مصلحت اجتماعی است که دولت را مکلف به منع فرزندآوری در بارداری پرخطر می‌کند. مناقشه و اشکالی که شاید بتوان بر این ماده قانونی وارد کرد این است که چگونه امکان دارد کودکی که هنوز متولد نشده<sup>۵</sup> موضوع ماده قرار گیرد و برای او حقی قرارداد؟ در جواب از اشکال باید گفت: در صورتی که ما قاعده لاضرر را در عدمیات جاری بدانیم می‌توانیم در مورد ضرری که هنوز بوجود نیامده، اما احتمال وجود ضرر در صورتی که بوجود بیاید هست، می‌توان اقدام به پیشگیری از بارداری های پرخطر کرد. البته برخی از فقهاء از قبیل: مرحوم نائینی و شیخ انصاری قائل به این هستند که لاضرر در عدمیات جریان ندارد و ضرر معدوم را قابل تصور نمی‌دانند و در واقع، قاعده فقط رفع حکم می‌کند و اثبات ضمان نمی‌کند (ر.ک.، نائینی، ۱۳۷۳، ۳ / ۴۲۰). اما با توجه به مبانی عقلی قاعده، جلوگیری از ضرری که هنوز وجود ندارد منتها احتمال وقوع آن بسیار زیاد است از نظر لازم است. خلاصه به طور کلی اگر فرزندآوری به صلاح جامعه نباشد می‌توان با توجه به مصلحت عمومی زوجین را از فرزندآوری پرخطر منع کرد یا شرایطی حاصل شود که از بروز ضرر جلوگیری گردد.

<sup>۵</sup>. با توجه به مواد ۹۵۷، ۸۷۵، ۶۹ و ۷۰ قانون مدنی شرط بهره مندی جنین از حقوق، حیات حین ولادت است.

## ۵. علل انگیزشی دوری از حق فرزندآوری براساس منابع دینی و تجربی واقوال صاحب‌نظران

### ۵-۱. دلایل اقتصادی

با تتبع در نظام خانواده از جمله مسائلی که در چند دهه اخیر میل به فرزندآوری را کم رنگ کرده است مشکلات معیشتی و تورم بالا و نیازهای اولیه فرزند می‌باشد. تورم افسار گسیخته در دو دهه اخیر بشدت روی مساله فرزندآوری تاثیر گذاشته است. براساس برخی پژوهش‌های صورت گرفته بسیاری از والدین، اوضاع اقتصادی، عدم تامین نیازهای زندگی و تورم را دلیل عدم میل به فرزند دانسته اند (صادقی حسن وند، ۱۳۹۶). در واقع نظام خانواده با دوری از فرزندآوری از چالش‌های اقتصادی که با تولد فرزند ممکن است دامن گیر خانواده باشد دوری می‌کنند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۷).

### ۵-۲. اشتغال زنان

با سیری در تاریخ اشتغال زنان، نظام سرمایه داری برای رسیدن به منفعت و کسب سود بیشتر از موقعیت نامناسب زن در کشورهای غربی سوء استفاده کرد و با شعار مالکیت زن و دستیابی به قدرت و خارج شدن از سیطره مرد او را به خارج از خانه فراخواند و به استخدام کارخانجات در آورد. و دولت‌ها نیز با وضع قوانینی در راستای اهداف سرمایه داری تلاش کردند، که نتیجه‌ی جز اشتغال زنان در خارج از خانه نداشت. به گفته ویلیام گاردنر (۱۳۸۶) کانادا و سوئد و همه دولت‌های رفاه دریافتند جهت سود بیشتر و درآمدهای مالیاتی بیشتر بهترین راه این است که مادران به خارج از خانه فراخوانده شوند. حتی تاجایی که در کشور سوئد باقی ماندن زنان در خانه نوعی خیانت به دولت است. در کشور ایران در زمان پهلوی با شعار ضرورت حضور زن در اجتماع این تفکر غرب رواج یافت. در آن دوران نقش مادری به عنوان نقشی فرعی قلمداد گشت. به فرموده حضرت امام خمینی (ره) اجانب این شغل را پیش ما مبتذل کردند و مادرهای بیچه‌های ما را از ما جدا کردند (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴). اشتغال زنان در محیط خارج از خانه به دلایل اقتصادی و نیاز اجتماعی به شغل و حرفه‌ی آنان در مشاغلی که باید متصدی زنان باشند یکی از علل میل به عدم فرزندآوری است. در واقع اشتغال به کار خارج از منزل یکی از سیاست‌های زنان در جامعه امروزی است (معدنی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۵۳) مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بادرصد بالایی که هست باعث می‌شود فشار جسمی روانی بیشتری متحمل شوند و این خود بر موقعیت جسمی روحی زنان در فرزندآوری تاثیر دارد (کاظمی، ۱۳۸۹). کسب موقعیت‌های اجتماعی باعث شده است امروزه حتی زنان طبقات مرفه نیز به مشاغل خارج از خانه روی آورند (مدیری و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۷۵). طبق برخی تحقیقات میدانی از زمانی که زنان به شغل خارج از منزل روی آورده‌اند تعداد فرزند رشد معکوس داشته است



(علاسوند، ۱۳۹۲، ۴۵). در برخی از مطالعات انجام شده نیز مشخص شد که بین تک فرزندی با شغل زنان رابطه معناداری وجود دارد (حسینی، ۱۳۹۵، ۸۲).

### ۳-۵. تحصیلات زنان

تحصیلات زنان نیز همچون اشتغال زنان یکی از متغیرهایی است که بر فرزندآوری تاثیر دارد (محمودیان، ۱۳۸۹). تحصیلات زنان باعث می‌گردد که سن ازدواج بیشتر گردد. و پس از تحصیلات با ورود زنان به جامعه اشتغال، داشتن فرزند یکی از بازدارنده‌ها برای رسیدن و تثبیت موقعیت آنان است لذا از آن دوری می‌کنند. طبق برخی تحقیقات بین تحصیل و اهمیت آن در زندگی فردی اجتماعی با فرزندآوری و تک فرزندی رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین در برخی تحقیقات دیگر بین تحصیلات و گرایش به فرزندآوری رابطه منفی وجود دارد و هرچه تحصیلات زنان بیشتر باشد میل به فرزند در آن‌ها کمتر می‌شود (سیاه پوش و همکاران، ۱۳۹۵).

### ۴-۵. رواج اندیشه فمینیستی بر تحقیر نقش مادری

مادر بودن در میان ادیان الهی مورد ستایش و سفارش است و دارای ارزش بسیار زیادی است (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۶۴، ۷/ ۵۱۳). در آیاتی از قبیل: ۱۴ سوره لقمان خداوند می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَالِيًا وَهِنًا وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرش باش که بازگشت [همه] به سوی من است. در واقع نقش مادری در آموزه‌های دین اسلام نقش تعالی و به رشد رساندن انسان است و بسیار والا مقام است. در روایات نیز بر نقش مادری بسیار تاکید شده است. آنچه که امروز تفکر مادر بودن در میان جامعه کم رنگ کرده است تفکرات حاصل از اندیشه‌های لیبرالیستی است که باعث تغییر در نگرش به نقش مادری شده است. در میان تفکرات لیبرالیستی، فرزند داشتن بارداری و زایمان دارای بعد منفی می‌باشد و این تفکر غرب در جوامع اسلامی باعث شده است عده‌ی به سمت آن بروند. سیمون دوبووار (۱۳۸۰) از پیروان مکتب فمینیسم، مادری را نوعی تحمیل به زن می‌داند که او را از خودش بیگانه می‌کند. بارداری را ماجرای غم‌انگیزی می‌داند که در زن بین خودش و خودش صورت می‌گیرد. در نظام فمینیستی مادری فاقد ارزش است. و تامین کننده نیازهای روحی زن نیست. در این مکتب تجربه مادری برای یکبار کافی می‌داند. در این مکتب بودن زن در خانه و تربیت طفل را باعث فرسودگی زن می‌داند و نقش‌های خارج از خانه به زن پیشنهاد می‌کند. رواج این تفکر تا حد زیادی باعث شده است زنان از فرزندآوری رویگردان باشند (علاسوند، ۱۳۹۰، ۸۵).

مدیریت بدن به معنای نظارت و دست کاری مستمر ظاهر و مرئی بدن (محمودیان، ۱۳۸۹، ۲۷-۵۴) و جذابیت جسمانی و اهمیت خود که از محصولات جامعه مدرن است (شکر بیگی و همکاران، ۱۳۹۰، ۸۵-۱۰۸)، از جمله موضوعاتی است که در دهه های اخیر در بین زنان نمود و اهمیت زیادی پیدا کرده است (فاضلی، ۱۳۸۲، ۱۴۹). در ایران آمار دقیقی نمی توان از مدیریت بدن در زنان ارائه کرد منتها با توجه به شواهد حال در حال گسترش می باشد (تقوایی فرد، ۱۳۹۹، ۴۷). آنچه که در این میان باعث نگرانی است توجه افراطی زنان به مقوله ی بدن و تلاش در کنترل آن است. در برخی زنان رایج است که تعادل اندام خود را بر فرزندآوری ترجیح می دهند. در نگرش این زنان تقدس مادری کم رنگ است و در واقع این نوع تفکر محصول رسانه ها و فرهنگ غرب در دهه های اخیر می باشد که در گذشته اینچنین تفکری وجود نداشت (رضایی و محمودیان، ۱۳۹۱، ۱۷۳-۲۲۵). در تحقیقاتی که صورت گرفته است بین میزان مدیریت بدن در زنان با فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد، و هرچه اهمیت اندام و بدن در بین زنان بیشتر باشد تمایل به فرزندآوری کمتر و نگرش آنان به فرزند کمتر است (کاوه فیروز، ۱۳۹۵، ۲۱۷-۲۳۴، تقوایی فرد و همکاران، ۱۳۹۹). در واقع این زنان یا تمایل به تک فرزندی یا اصلا تمایلی به فرزندداشتن ندارند (کاوه فیروز، ۱۳۹۵، ۲۱۷-۲۳۴).

## ۶. بحث و نتیجه گیری

فرزندآوری یک حق و از امور اعتباری است. ادله کسانی که معتقد به حکم بودن فرزندآوری هستند مخدوش است زیرا آنها فرزندآوری را از امور اعتباری محض می دانند که باید با ساقط کردن آن کلا از بین برود در حالی که فرزندآوری جزء امور اعتباری محض نیست که با ساقط کردن آن اصل منشاء آن که بدن انسان باشد از بین برود. برخی امور اعتباری به غیر از عالم اعتبار در عالم خارج نیز دارای منشاء وجود هستند مثل فرزندآوری که در عالم ماده بدن انسان وسیله ی تحقق این حق است و با از بین رفتن و ساقط کردن آن منشاء مادی آن از بین نمی رود. بنابراین در اینجا دو چیز وجود دارد یک حق (فرزندآوری) که امری اعتباری است. دوم: منشاء شکل گیری این حق که بدن انسان می باشد. و این دو جدا از هم هستند. فرزندآوری نه مقتضی ذات عقد و ونه مقتضی اطلاق عقد است. بلکه حقی مشترک بین زوجین می باشد که می توانند در ضمن عقد نکاح یا شرط آن را به الزام و پشتوانه قانونی تبدیل کنند. در صورتی که مشروط علیه از انجام تعهد خودداری کردمی توان او را الزام به تعهد کرد.

گاهی ممکن است حق مادری با برخی از حقوق دیگر در تعارض باشد در این صورت اگر فرزندآوری با سلامت کودک در تعارض باشد طبق روایات و روح حاکم بر قوانین حق سلامت طفل مقدم می گردد. در تعارض حق

فرزندآوری با حق عزل زوج در این صورت تا زمانی که این تاخیر مصداق ضرر و امساک به غیر معروف نباشد با توجه به عموم آیه حرث و اطلاق ادله قوامیت شوهر حق شوهر مقدم می گردد ولی زوجه می تواند ضمن شرط هنگام عقد آن را محدود کند. در تعارض فرزندآوری با حق تمتعات جنسی زوج به نظر می رسد باید به قواعد اولیه در فرزندآوری رجوع کرد. انگیزه اشتغال، تحصیلات زنان، دلایل اقتصادی، رواج اندیشه فمینیستی مهمترین علل رویگردانی والدین از فرزندآوری یا تک فرزندی است.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم (۱۳۷۶). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالقرآن الکریم.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۲۴). *کفایه الاصول*. قم: نشر اسلامی.
۲. ارجمند سیاهپوش، اسحق و ناهید برومند (۱۳۹۵). *بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیشمک با تأکید بر سبک زندگی* (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۹-۲۴).
۳. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰). *المکاسب*، قم: تراث الشیخ الاعظم.
۴. أحمد بن حنبل (۱۴۱۶). *مسند احمد*، قاهره: دارالحدیث.
۵. افشار قوچانی، زهره، ایزانلو، محسن (۱۳۹۳). *مطالعه تطبیقی امکان مطالبه زیان ناشی از تولد و زندگی و ارکان مسئولیت در آن*، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، ص ۲۱-۳۵.
۶. امامی، سید حسن (۱۳۸۶). *حقوق مدنی*، تهران: اسلامیة.
۷. بن عبّاد، اسماعیل (۱۴۱۴). *المحیط فی اللّغه*، تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
۸. تقوایی فرد، لیلا (۱۳۹۹). *بررسی مدیریت بدن در زنان و تاثیر آن بر باروری*، زن و جامعه، سال ۱۱ شماره ۴۳، ص ۴۷-۶۶.
۹. جبّاری، مصطفی، صابریان، بهروز (۱۳۹۳). *تک فرزندی مصداق استفاده از حق سوء*، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، ۵۱-۷۶.
۱۰. جبعی عاملی، زین الدین (۱۴۱۳). *مسالك الافهام*، قم: موسسه معارف اسلامی.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸). *ترمیمولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، قم: اسراء.
۱۳. حسینی بهسودی، محمد سرور (۱۴۲۲). *مصباح الاصول*، قم: موسسه احیاء آثار امام خویی.
۱۴. حسینی، زینب، شیخی، محمد تقی، بی بی رازقی، حجه (۱۳۹۵). *تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک فرزندی*، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۴۳-۸۲.
۱۵. حسینی زیدی، سید ابوالقاسم، قیاسی سونکی، خیرالله (۱۳۹۹). *بررسی فقهی حقوقی تراحم حقوق در خانواده*، آموزه های فقه مدنی، دوره ۱۲، شماره ۲۲، ص ۱۷۷-۲۰۲.

۱۶. حلی ابن فهد، شمس الدین محمد (۱۴۰۷). *المهذب لبارع فی شرح المختصر النافع*. (تحقیق مجتبی عراقی). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ ق). *رجال العلامة الحلی*، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه.
۱۸. حلی، فخرالمحققین (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القوائد*، قم: بی نا.
۱۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. (تصحیح لجنه التحقیق فی مؤسسه النشر الاسلامی). قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۲۰. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). *وسائل الشیعہ*، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۲۲. خمینی، روح الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۳. رحیمی، حبیب اله، صادقی، محمد جواد (۱۳۹۷). *ماهیت حقوقی فرزندآوری*، سال ۱۴، شماره ۵۶، ص ۴۶۷-۴۹۶.
۲۴. رضایی، مهدی، محمودیان، حسین (۱۳۹۱). *زنان و کنش کم فرزندآوری*، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ص ۱۷۳-۲۲۵.
۲۵. سیفی، غلامعلی (۱۳۸۹). *آزادی اراده و سلب توانایی باروری*، فصلنامه باروری و ناباروری، سال ۴، شماره ۱۱.
۲۶. شکرپیگی، عالییه، امیری، امیر (۱۳۹۰). *مدیریت بدن و مقبولیت اجتماعی*، جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال ۲، شماره ۳، ص ۱۰۸-۸۵.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی تا). *المقنع*، قم: نشر اسلامی.
۲۸. صادقی حسن وند، علی (۱۳۹۶). *تجربه زیسته زنان دارای یک فرزند*، پایان نامه ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳). *التوحید*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). *العروه الوثقی*، چاپ دوم، بیروت: اعلمی.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۴). *المیزان*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر قرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۸). *المبسوط فی فقه الامامیه*، چاپ دوم، تهران: لاحیاء آثار الجعفریه المطبعة الحیدریه.
۳۴. عابدی، محمد، قبولی درفشان، سید محمد مهدی، سعیدی، امیر (۱۳۹۴). *موانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان*، وکیل مدافع، دوره ۵، شماره ۱۴، ص ۹۱-۱۰۵.
۳۵. عاملی کرکی، علی بن عبدالعالی (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل البیت.
۳۶. عباسی شوازی، محمد جلال، خانی، سعید (۱۳۹۳). *نامنی اقتصادی و باروری*، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال ۹، شماره ۱۷، ص ۳۷-۷۶.
۳۷. علاسوند، فریبا (۱۳۹۲). *زن در اسلام*، قم: هاجر.
۳۸. غدیری، ماهرو، نیککار چینجان، طیه (۱۳۹۷). *گواهی سلامت پیش از ازدواج*، خانواده پژوهی، دوره ۱۴، شماره ۱، ص ۱۱۳-۱۳۳.

۳۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۸). *تقریردرس خارج فقه مورخ* ۱۳۸۸/۸/۲۵.
۴۰. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.
۴۱. فاضل هندی، محمدبن حسن. (۱۴۱۶). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۴۲. فروغی، سید علیرضا (۱۳۹۱). *آثار و ویژگی های حق از دیدگاه فقه امامیه و قانون مدنی*، دوفصلنامه، علمی دانش حقوقی. دوره ۱ شماره ۱، ص ۱-۱۴.
۴۳. قدرتی، فاطمه (۱۴۰۰). *تقابل حق مادری با حق زوج، حق کودک و حق جامعه با نظر به حاکمیت قواعد اخلاقی تربیتی*، دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی، دوره ۸ شماره ۱۵، ص ۱۵۷-۱۸۴.
۴۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *فلسفه حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۵. کاظمی، زهرا (۱۳۸۹). *بررسی تاثیر آرمان گرایی توسعه ای بر شکاف بین نگرش های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده*، خانواده پژوهی، دوره ۶، شماره ۲۳، ص ۲۹۹-۳۱۲.
۴۶. کاوه فیروز، زینب (۱۳۹۵). *تاثیر مولفه های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری*، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۲، ص ۲۱۷-۲۳۴.
۴۷. کلینی، محمد بن یقوب (۱۴۲۹). *الکافی*، قم: دارالحدیث.
۴۸. مشکینی، علی (۱۳۸۵). *مصطلحات فقه*، قم: انتشارات الهادی.
۴۹. مرتضی الزبیدی، محمد (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار مکتبه الحیاه.
۵۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). *شرط فرزندآوری و یا عدم آن*، فصلنامه فقه پزشکی، سال ۲، شماره ۲، ص ۱۱-۲۴.
۵۲. محمودیان، حسین (۱۳۸۹). *سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان*، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۲۷-۵۴.
۵۳. مدیر، فاطمه، رحیمی، علی (۱۳۹۵). *بررسی تاثیر اشتغال زنان بر خانواده*، زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۰، ص ۱۵۳-۱۷۰.
۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۵). *تعلیق علی نهایی الحکمه*، قم: در راه حق.
۵۵. مصطفی، ابراهیم (بی تا). *المعجم الوسیط*، تهران: المکتبه العلمیه.
۵۶. معدنی، سعید، نژاد فلاح، مریم (۱۳۹۳). *بررسی تاثیر اشتغال زنان بر خانواده*، علوم رفتاری، دوره ۶، شماره ۲۰، ص ۱۵۳-۱۷۳.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۸. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۳۷۳). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*، تهران: المکتبه المحمديه.
۵۹. نجفی، حسن (بی تا). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تصحیح عباس قوچانی، بیروت: داراحیاءالتراث العربی.
۶۰. ولایی، عیسی (۱۳۸۷). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، تهران: نشر نی.